

بررسی و تحلیل وجوب قصاص، دیه و كفاره در سقط جنین از دیدگاه مرحوم آیه الله خوئی (رحمه الله علیه)

سعید احمدی فرد^۱

سمیه مهدیه^۲

چکیده

مقوله سقط جنین از موضوعاتی است که احکام فرعی فراوانی بر آن مترتب است، فلذا نظرات فقها در این مورد متفاوت می باشد. در بحث جواز یا عدم جواز سقط جنین، امر همواره دایر مدار میان دو مقوله حقوق مادر و حقوق جنین است و تلاش ها براین اساس استوار است که حکم برای یکی، همراه با حفظ حقوق دیگری باشد. از جمله فقهایی که آراء خاصی در این زمینه دارند مرحوم آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) می باشد؛ ایشان در مورد سقط عامدانه جنین ذی الروح، حکم به «عدم وجوب قصاص» داده اند. در مورد دیه جنین سقط شده، با التفات به مراحل قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح، و با نظر به ادوار پنجگانه: نطفه، علقه، مضغه، روئیدن استخوان و پوشیده شدن گوشت روی استخوان، مقادیر ۸۰، ۶۰، ۴۰، ۲۰ و ۱۰۰ دینار را حکم کرده اند و برای مرحله بعد از ولوج روح نیز در فرض پسر بودن ۱۰۰۰ و دختر بودن ۵۰۰ دینار مقرر می دارند و از روایاتی که در آن پرداخت غره به عنوان دیه جنین سقط شده تعیین گردیده، به دلیل «مخالفت با عامه» و «اعراض اصحاب از این روایات» و «تعارض با نص معتبره ظریف» روی گران می شوند و در مورد وجوب كفاره سقط جنین بیان می کنند که: اگر سقط قبل از ولوج روح باشد، كفاره ای بر گردن جانی نیست و اگر بعد از ولوج روح باشد، بعید نیست که به عدم وجوب كفاره فتوا داده شود.

واژگان کلیدی: قصاص جانی، دیه سقط جنین، كفاره سقط جنین، سقط جنین، آیه الله خوئی.

۱. دکترای فقه و اصول؛ saidahmadifard۶۶@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی معصومیه (نویسنده مسئول)؛

somayehmahdieh@gmail.com

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، مسجود ملائک و خلیفه‌الله، جایگاهی بی‌نظیر در میان مخلوقات هستی دارد. این کرامت و حرمت تنها مختص به انسانی که در حال زندگی در کره خاکی است نمی‌شود؛ بلکه جنین در رحم مادر را نیز در بر می‌گیرد. شریعت‌های پیشین و بخصوص اسلام از جنین و حیات او به شدت دفاع می‌کند و قانون و مقررات و حدود و حقوقی را برای این جنین وضع نموده است. پدیده سقط جنین با گسترش روزافزون خود تهدیدی برای این مخلوق خداوند است. فقها در طول قرن‌ها آراء و نظرات متفاوتی در مورد سقط جنین داشته‌اند. از میان فقهای معاصر آیت الله خوئی (رحمه الله علیه) نیز صاحب نظر می‌باشند. سوال اصلی این است که: قصاص، دیه و کفاره سقط جنین از منظر آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) چیست؟ در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و شیوه پردازش توصیفی-تحلیلی به بررسی آراء مرحوم آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) پرداخته شده است.

معضل سقط جنین روز به روز حیطة نفوذ خود را افزایش می‌دهد و با بهانه‌های مختلفی از جمله: خطر جان مادر، خلقت ناقص جنین، کنترل جمعیت، مضیقه‌های مالی و... حریم خانواده‌ها را تهدید می‌کند. در این میان توجه به این موضوع از منظر دینی و تحلیل با کمک آیات و روایات و رجوع به نظرات فقها، می‌تواند تلنگری در مخاطب ایجاد کند و توجه به سمت این عمل را بیشتر کند. اما در میان فقها آیه الله خوئی مبنایی خاص و متفاوت در برخورد با روایات دارند که نتیجه آن آراء خاص و متفاوت ایشان در مورد مسائل فقهی است. آشنایی با آراء ایشان در مورد وجوب قصاص، دیه و کفاره در سقط جنین ضروری بنظر می‌رسد.

موضوع سقط جنین جزء مباحث پرحاشیه همراه با بسامدهای فراوان است که همواره مورد توجه محققان بوده است، به گونه‌ای که ۱۸ مقاله همگی با عنوان «سقط جنین» چاپ شده است. همچنین مقالات: «مفهوم شناسی سقط جنین»، «بررسی جرم سقط جنین در قرآن، روایات و آراء فقها»، «بررسی تحولات قانونی و مبانی تئوریک سقط جنین»، «علل و انواع سقط جنین و بررسی فقهی حقوقی آن» نوشته علی مستجاب الدعواتی، «سقط جنین؛ ترجیح حیات مادر یا حیات جنین» به قلم جعفر کوشا، امیر سماواتی پیروز، «سقط جنین از منظر فقه، حقوق و اخلاق» از مرتضی

عبدالجبّاری، «بررسی و عوارض سقط‌ها» اثر حسین کوشانفر، «بررسی سقط جنین از دیدگاه امام خمینی» از جواد غلامی و حمیدرضا رضانیا، پایان نامه «علل سقط و راه‌های جدید انجام آن» از مینو پدیوی، پایان نامه «سقط، علل و درمان» تلاشی از حسن کاظمی، پایان نامه «موارد استعمال سقط درمانی» از جهانگیر نویم و... نمونه‌ای از مقالات و پایان نامه‌هایی هستند که به مقوله سقط جنین پرداخته‌اند و هر یک از مناظری نظیر: بحث فقهی، پزشکی، روایی، قانونی و... به این پدیده توجه داشته‌اند. آنچه این پژوهش را از سایر تلاش‌ها متمایز می‌گرداند به نوعی بررسی تطبیقی است که آراء فقهای معاصر را در سه مبحث قصاص، دیه و کفاره تحلیل می‌کند و تأکید بیشتر بر آراء مرحوم آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) می‌باشد.

از زمانی که دنیا به سمت مدرنیته و صنعتی شدن پیش رفت، معضلاتی مقابل روی جامعه بشری گشوده شد. ناهنجاری‌هایی که برای بعضی از آن‌ها راه‌حل‌های غمباری پدید آمد. یکی از این مسائل، پدیده سقط جنین است. واقعیتی که تقریباً تمام سرزمین‌ها با آن درگیرند و به تناسب فرهنگ و آداب و سنن خویش، رفتارهایی متفاوت با آن دارند.

سقط جنین در شریعت‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. در شریعت اسلام، انسان جایگاهی خاص و ویژه دارد، چرا که خلیفه‌الله است و هدف از خلقت او رسیدن به قرب الهی است. گوهر درونی انسان تا اندازه‌ای ارزشمند است که به ملائک دستور داده شد به او سجده کنند. از این رو جایز نیست که این چنین انسانی از حیات ساقط گردد و قبل از ورود به جهان مادی از میان برداشته شود.

فقها در مورد «سقط جنین» تحت دو عنوان کلی «مسائل مستحدثه بحث طب» و «کنترل جمعیت و تحدید نسل» بحث کرده‌اند. به فرض مشروعیت کنترل جمعیت و تحدید نسل، «اسقاط و اجهاض جنین» یکی از این راهکارها است. در ذیل این مباحث کلی، بحث‌های فرعی از جمله: وجوب یا عدم وجوب قصاص جانی، وجوب دیه، وجوب کفاره، حد کفاره و... مطرح می‌گردد. فلذا ما در این پژوهش در کنار توجه ویژه به آراء مرحوم آیه الله خوئی (رحمه الله علیه)، مروری بر نظرات آیات عظام تبریزی، فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه)، مکارم شیرازی و امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز خواهیم داشت.

۱- قصاص جانی در سقط عمدی جنین

نوع نگاه به جنین در رحم مادر باعث اختلاف دیدگاه در مورد حکم جانی سقط جنین می‌شود. برای پاسخ به این سوال که آیا سقط عمدی جنین قصاص دارد یا نه؟ بایستی سه مقدمه را از نظر بگذرانیم:

۱-۱- حالات متصوره در جنین

الف) زمانی که هنوز خلقتش تکمیل نشده است. جنین در مرحله نطفه یا علقه و یا مضغه است؛ نه کمال صورتی دارد و نه روحی در آن دمیده شده است.
ب) روح در آن دمیده نشده ولیکن صورت انسانی دارد.
ج) هم خلقت تکمیل شده و هم روح در آن دمیده شده است.
در حالت اول، قطعاً نام نفس انسانی بر آن صادق نیست. در حالت دوم هم نفس انسانی صدق نمی‌کند. برطبق آیات، بعد از مرحله تکمیل خلقت، روح بر آن دمیده می‌شود؛ بنابراین در حالت سوم عنوان نفس انسانی بر جنین صدق می‌کند.

۱-۲- انواع قتل از حیث نوع قتل

قتل از حیث نوع قتل بر سه قسم می‌باشد:

قتل عمد: در مورد قتل عمد، قاتل هم قصد فعل دارد و هم قصد کشتن؛ مثل کسی که به قصد قتل زید به او تیراندازی می‌کند، که هم قصد فعل تیراندازی و هم قصد قتل دارد.

قتل شبه عمد: جانی قصد فعل دارد ولی قصد قتل و کشتن ندارد. مانند پزشکانی که در حین عمل جراحی باعث مرگ مریضی می‌شوند. پزشک قصد فعل یعنی جراحی و شکافتن بدن مریض را دارد، اما قصد قتل او را ندارد.

قتل خطایی: جانی نه قصد فعل و نه قصد کشتن ندارد. مانند شکارچی که قصد دارد حیوانی را شکار کند، اما تیر او به یک انسان برخورد کرده او را بکشد.

۱-۳- حکم قتل

حکم قتل عمد: حکم آن قصاص است. در صورت رضایت ولی دم قصاص به دیه تبدیل می‌گردد و خود قاتل باید دیه را بپردازد.

حکم قتل شبه عمد: حکم آن دیه است و قصاص ندارد و خود قاتل باید پرداخت کند.

حکم قتل خطایی: حکم آن دیه است و پرداخت دیه به عهده عاقله جانی است. (خویشاندان مرد خانواده پدری).

حال به سراغ پاسخ سؤال می‌رویم: در مراحل اول و دوم حالات متصوره برای جنین، قطعاً قصاص ندارد، چراکه قصاص مخصوص قتل نفس است. در حالت سوم که صورت تکمیل است و روح نیز در آن دمیده شده، مرجع ما در گام اول آیات و سپس روایات است. آیات در این باب به شرح ذیل است:

در سوره مبارکه اسراء آیه ۳۳ می‌خوانیم: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»؛ در این آیه، جنین نیز مصداق قتل نفس مظلوم می‌شود؛ چرا که بحث ما در جنین ذی‌الروح هست و بر جنین ذی‌الروح اطلاق نفس محترمه می‌شود و قتل نفس بر او صادق می‌باشد. همچنین در سوره مبارکه مائده آیه ۳۲ آمده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» و خداوند در آیه ۹۳ سوره مبارکه نساء نیز می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا». اگر به اطلاقات آیات در باب قصاص توجه کنیم، حکم قصاص شامل فرض ما نیز می‌شود (سقط عمدی جنین در مرحله ای که صورت تکمیل است و روح نیز در آن دمیده شده).

در گام بعدی به سراغ روایات می‌رویم؛ سه روایت داریم که ما را برای رسیدن به حکم نهایی یاری می‌رسانند:

الف) «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ امْرَأَةً حَامِلًا بِرِجْلِهِ فَطَرَحَتْ مَا فِي بَطْنِهَا مَيْتًا فَقَالَ إِنْ كَانَ نُطْفَةُ فَإِنَّ عَلَيْهِ عَشْرِينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ النُّطْفَةِ فَقَالَ هِيَ الْبَيْتَى إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَهُوَ عَلَقَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْعَلَقَةِ فَقَالَ هِيَ الْبَيْتَى إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ ثَمَانِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَهُوَ مُضْغَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ سِتِّينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْمُضْغَةِ فَقَالَ هِيَ الْبَيْتَى إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ مِائَةٌ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَهُوَ نَسَمَةٌ مُخْلَقَةٌ لَهُ عَظْمٌ وَ لَحْمٌ مُرَبَّلَ الْجَوَارِحِ قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ دِيَةً كَامِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۷)

در این روایت حضرت در مقام بیان است اگر حکم سقط عمدی جنین، قصاص بود می‌فرمود باید قصاص شود، ولی معصوم دیه کامله، تعیین می‌کنند.

ب) «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنِ امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِذَلِكَ زَوْجُهَا فَأَلْقَتْ وَ لَدَهَا قَالَ فَقَالَ إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ وَ قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ عَلَيْهِ دِيَةٌ تُسَلَّمُهَا لِأَبِيهِ وَ إِنْ كَانَ حِينَ طَرَحَتْهُ عَظْمَهُ أَوْ مُضَعَّهُ فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَاراً أَوْ غُرَّةً تُؤَدِّيَهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ لَهُ فَهِيَ لَا تَرِثُ وَ لَدَهَا مِنْ دِيَّتِهِ مَعَ أَبِيهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ فَلَا تَرِثُهُ.» (همان، ج ۷: ۱۴۱)

ج) «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي الرَّجُلِ يَضْرِبُ الْمَرْأَةَ فَتُطْرَحُ النُّطْفَةُ عَلَيْهِ عَشْرُونَ دِينَاراً فَإِنْ كَانَتْ عَظْمَهُ فَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ دِينَاراً فَإِنْ كَانَتْ مُضَعَّهُ فَعَلَيْهِ سِتُونَ دِينَاراً فَإِنْ كَانَتْ عِظَاماً فَعَلَيْهِ الدِّيَةُ.»

(اشعری قمی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۴۲۱) در این روایت نیز حضرت در مقام بیان است؛ لذا اگر حکم آن قصاص بود باید می فرمود: سقط عمدی قصاص دارد، ولیکن دیه تعیین می کنند. روایات وارده در این باب، به منزله مخصوصی برای آیات هستند و اطلاق آیات را تخصیص می زنند.

قاعده درء (منع): در باب حدود و قصاص قاعده ای به نام «قاعده درء» داریم. این قاعده مستند به روایتی از رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) می باشد: «ادْرءُوا الْهُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۷۴) طبق این قاعده، به راحتی نمی توان حکم به قصاص داد، چون در مانحن فیه نسبت به اجرای قصاص شبهه داریم و قاعده درء می گوید: در جایی که شبهه باشد قصاص نمی شود؛ علاوه بر آن، اصل، عدم قصاص است. دلیل اعتبار «قاعده درء» مرسله صدوق است و آیت الله خوئی (رحمه الله علیه) مراسلات صدوق را معتبر ندانسته و قبول ندارند. قاعده درء هم شامل شبهه موضوعه می شود و هم حکمیه؛ هم شامل وجود شبهه از طرف قاضی است و هم از طرف جانی.

۱-۴- نظر آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) در مورد قصاص جانی در سقط عمدی جنین

آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) در باب قصاص جانی در سقط جنین معتقد است: «لا فرق فی المجنیّ علیه المسلم بین الأقارب و الأجانب و لا بین الوضیع و الشریف و هل یقتل البالغ بقتل الصبی؟ قیل: نعم، و هو المشهور، و فیه إشکال، بل منع؛ در مورد شخص مسلمانی که جنایتی بر او وارد شده فرقی نمی کند که جانی، خویشاوندش باشد یا اجنبی و فرقی نمی کند که مجنی علیه کودک باشد یا بزرگ؛ آیا شخص بالغ به واسطه کشتن بچه، کشته می شود؟ گفته شده: بله و این

نظر مشهور است و در نظر مشهور اشکال وجود دارد؛ بلکه ممنوع است.» (موسوی خوئی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۸۴)

ابتدا به سراغ مستندات ادعای مشهور، مبنی بر قصاص بالغ بخاطر کشتن صبی می‌رویم: (الف) عموماً ادله قصاص: «وَكَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...» و بر آنها [بنی اسرائیل] در آن [تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان می‌باشد و هر زخمی، قصاص دارد...» (مائده: ۴۵)

ب) روایت ابن یغفور: «ابنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) خَطَبَ النَّاسَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَقَالَ نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا وَ حَفِظَهَا وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ غَيْرُ فِقْهِهِ وَ رَبُّ حَامِلٍ فِيهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللَّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمُ الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ.» (كلینی، ج ۱: ۴۰۳)

این روایت نیز تعمیم دارد و فرقی بین کودک و بزرگ و خویشاوند و غریبه نیست. (ج) روایت ابن فضال: «ابنُ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كُلُّ مَنْ قَتَلَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا بَعْدَ أَنْ يَتَعَمَّدَ فَعَلَيْهِ الْقَوْدُ.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۱۶۲) اگر کسی شخصی را عامدانه بکشد صغیر باشد یا کبیر باید قصاص شود.

آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) در مقابل مشهور می‌گوید: اول به سراغ روایت ابن فضال می‌رویم: این روایت مرسله است و از حیث سند دچار ضعف است. پس استناد به روایت ابن فضال صحیح نیست. اما آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) روایتی از صدوق را شاهد می‌آورد که سندش صحیح است: «ابن بابویه، همان، ج ۴: ۱۱۲»

آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) معتقدند: سند این روایت درست است؛ اما محتوا و دلالت آن مشکل دارد. «بشیء» در روایت، دلالت بر شخص مجنی علیه ندارد. روایت در مقام بیان صغیر یا کبیر

بودن مجنی علیه نیست، بلکه در مورد آلت قتل سخن می گوید، یعنی: آلت قتاله صغیر باشد یا کبیر؛ لذا ربطی به مدعای مشهور ندارد.

در گام بعدی آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) عموماتی که در باب قصاص بیان شد با صحیحی ابی بصیر قید زد و از آن عمومات، رفع ید کرد: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ مَجْنُونًا قَالَ إِنْ كَانَ أَرَادَهُ فِدْفَعَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَقَتَلَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ مِنْ قَوْدٍ وَلَا دِيَّةَ وَيُعْطَى وَرَثَتَهُ دِيَّتَهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَإِنْ كَانَ قَتَلَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ الْمَجْنُونُ أَرَادَهُ فَلَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ وَ أَرَى أَنْ عَلَى قَاتِلِهِ الدِّيَّةُ فِي مَالِهِ يَدْفَعُهَا إِلَى وَرَثَةِ الْمَجْنُونِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُتُوبُ إِلَيْهِ» (ابن بابویه، ج ۴: ۱۰۳) اگر مجنون قصد جان شخص را کرده و آن شخص در مقام دفاع از خود او را کشته است قصاص و دیه ای بر آن شخص نیست و از بیت المال دیه مجنون پرداخت می شود. و اگر شخصی مجنون را بدون اینکه مجنون قصد جان او را کرده باشد کشت، (باز هم) قصاصی ندارد، پس قصاص ندارد کسی که از او قصاص گردیده نمی شود، ولیکن از مال آن شخص دیه مجنون را باید بپردازد.

بنابراین آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) برای اشکال وارد کردن به نظر مشهور، در مقابل عمومات ادله قصاص، روایت ابن بصیر را آورد و مدعی شد این روایت آن عمومات را مقید می سازد و بر دومین دلیل مشهور یعنی روایت ابن فضال در گام اول اشکال سندی گرفت و بر جایگزین روایت ابن فضال، اشکال دلالتی و محتوایی وارد نمود.

اشکال به آیه الله خوئی (رحمه الله علیه)

در اینجا می توان به روایت ابی بصیر اشکال وارد کرد که: این روایت در مورد مجنون است و ربطی به بحث صبی و بالغ ندارد. آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) برای پاسخ، راهکار خود را در قالب یک قیاس می چیند. ایشان معتقدند: در این روایت یک صغری و یک کبری وجود دارد. صغری در واقع بیان مصادیق و کبری بیان یک قاعده کلی است.

صغری: قصاصی برای قاتل مجنون نیست.

کبری: لَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ

نتیجه: کشتن جنین نیز قصاص ندارد.

مجنون یکی از مصادیق این کبری است و مصداق دیگرش صبی است. پس کشتن جنین قصاص ندارد. بعد از ترسیم این قیاس ایشان نظرنهایی خود را اینگونه می فرمایند: اگر ما باشیم و روایات، نظر ما همین است که گفتیم: «لَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ». ولی در این مسئله مبنی بر اینکه اگر بالغی صبی را به قتل برساند، باید بالغ را قصاص کرد، اجماع داریم. اگر این اجماع در مورد صبی تام باشد ما حرفمان را نسبت به صبی پس می گیریم؛ ولی در مورد جنین، این چنین اجماعی را نداریم. پس سقط عامدانه جنین ذی الروح حکم قصاص ندارد.

آقای میرزا جواد تبریزی نیز همین نظر آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) را تأیید می کنند. (تبریزی، ۱۴۲۸: ۳۳۰)

بنابراین به اعتقاد آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) در مسئله سقط عمدی جنین، حکم به قصاص جانی داده نمی شود.

۲- مقدار دیه جنین سقط شده

آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) در این زمینه اعتقاد دارند: «إذا كان الحمل نطفة فديته عشرون ديناراً، و إن كان علقه فأربعون ديناراً، و إن كان مضغه فستون ديناراً، و إن نشأ عظم فثمانون ديناراً، و إن کسی لحمًا فمائة دينار، و إن ولجته الروح فألف دينار إن كان ذكراً، و خمسمائة دينار إن كان أنثى؛ اگر حمل زن، نطفه باشد دیه آن ۲۰ دینار است و اگر علقه باشد ۴۰ دینار و اگر مضغه باشد ۶۰ دینار و اگر استخوان روئیده باشد ۸۰ دینار و اگر روی استخوان را گوشت پوشانده باشد ۱۰۰ دینار و اگر روح در آن دمیده شده باشد و پسر باشد ۱۰۰۰ دینار و اگر دختر باشد ۵۰۰ دینار دیه دارد.»

(خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۲۰، ۴۹۰، مساله ۳۷۹)

حال سوالی که اینجا مطرح می گردد این است که: حکم دیه جنین سقط شده در مراحل متفاوت نطفه، علقه، مضغه و... از کجا آمده است؟ در پاسخ باید گفت: این احکام برگرفته از روایات می باشد:

(۱) معتبره ظریف: «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: جَعَلَ دِيَةَ الْجَنِينِ مِائَةَ دِينَارٍ وَ جَعَلَ مَنِيَّ الرَّجُلِ إِلَى أَنْ يَكُونَ جَنِينًا خَمْسَةَ أَجْزَاءٍ فَإِذَا كَانَ جَنِينًا قَبْلَ أَنْ تَلِجَهُ الرُّوحُ مِائَةَ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ وَ هِيَ النَّطْفَةُ فَهَذَا جُزْءٌ ثُمَّ عَلَقَهُ فَهُوَ جُزْءٌ ثُمَّ مُضِغَةً فَهُوَ ثَلَاثَةٌ

أجزاء ثمَّ عَظْمًا فَهُوَ أَرْبَعَةٌ أَجْزَاءُ ثُمَّ يَكْسَى لَحْمًا فَحِينَئِذٍ تَمَّ جَنِينًا فَكَمَلَتْ لَهُ خَمْسَةٌ أَجْزَاءُ مِائَةٌ دِينَارٍ وَالْمِائَةُ دِينَارٍ خَمْسَةٌ أَجْزَاءُ فَجَعَلَ لِلنُّطْفَةِ خُمُسَ الْمِائَةِ عِشْرِينَ دِينَارًا وَلِلْعَلَقَةِ خُمُسَ الْمِائَةِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَلِلْمُضْغَةِ ثَلَاثَةَ أَحْمَاسِ الْمِائَةِ سِتِّينَ دِينَارًا وَلِلْعَظْمِ أَرْبَعَةَ أَحْمَاسِ الْمِائَةِ ثَمَانِينَ دِينَارًا فَإِذَا كَسَى اللَّحْمَ كَانَتْ لَهُ مِائَةٌ كَامِلَةٌ فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَهُوَ الرُّوحُ فَهُوَ حِينَئِذٍ نَفْسٌ بِأَلْفِ دِينَارٍ كَامِلَةٌ إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَإِنْ كَانَ أُنْثَى فَخَمْسُمِائَةَ دِينَارٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۳۱۲)

(۲) روایت سلیمان بن صالح: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي النَّطْفَةِ عِشْرُونَ دِينَارًا وَفِي الْعَلَقَةِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا وَفِي الْمُضْغَةِ سِتُّونَ دِينَارًا وَفِي الْعَظْمِ ثَمَانُونَ دِينَارًا فَإِذَا كَسَى اللَّحْمَ فَمِائَةُ دِينَارٍ ثُمَّ هِيَ دَيْتَةٌ حَتَّى يَسْتَهْلَ فَإِذَا اسْتَهَلَ فَالْدَيْتَةُ كَامِلَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۲)

(۳) روایت ابن مسکان: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: دَيْتَةُ الْجَنِينِ خَمْسَةٌ أَجْزَاءُ خُمُسٌ لِلنُّطْفَةِ عِشْرُونَ دِينَارًا وَ لِلْعَلَقَةِ خُمُسَانِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا وَ لِلْمُضْغَةِ ثَلَاثَةَ أَحْمَاسِ سِتُّونَ دِينَارًا وَ لِلْعَظْمِ أَرْبَعَةَ أَحْمَاسِ ثَمَانُونَ دِينَارًا فَإِذَا تَمَّ الْجَنِينُ كَانَتْ لَهُ مِائَةُ دِينَارٍ فَإِذَا أَنْشِئَ فِيهِ الرُّوحُ فَدَيْتَةُ أَلْفِ دِينَارٍ أَوْ عَشْرَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَإِنْ كَانَ أُنْثَى فَخَمْسُمِائَةَ دِينَارٍ وَإِنْ قُبِلَتْ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ حُبْلَى فَلَمْ يَدُرْ أَوْ ذَكَرًا كَانَ وَلَدُهَا أَوْ أُنْثَى فَدَيْتَةُ الْوَلَدِ نِصْفَانِ نِصْفُ دَيْتَةِ الذَّكَرِ وَ نِصْفُ دَيْتَةِ الْأُنْثَى وَ دَيْتُهَا كَامِلَةٌ.» (همان، ج ۷: ۳۴۳)

(۴) روایت سعید بن مسیب: «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ امْرَأَةً حَامِلًا بِرِجْلِهِ فَطَرَحَتْ مَا فِي بَطْنِهَا مَيْتًا فَقَالَ إِنْ كَانَ نُطْفَةً فَإِنَّ عَلَيْهِ عِشْرِينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ النَّطْفَةِ؟ فَقَالَ هِيَ الْبَتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَ هُوَ عَلَقَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْعَلَقَةِ؟ فَقَالَ هِيَ الْبَتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ ثَمَانِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَ هُوَ مُضْغَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ سِتِّينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْمُضْغَةِ؟ فَقَالَ هِيَ الْبَتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ مِائَةٌ.» (همان، ج ۷: ۳۴۷)

معتبره ظریف از لحاظ سندی صحیح است، ولی سه روایت دیگر از لحاظ سندی اشکالاتی دارند، لذا آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) سه روایت پایانی را به عنوان مؤید ادعای خود مبنی بر بیان مقادیر دیه در ادوار مختلف جنینی و تفاوت دیه جنین قبل و بعد از ولوج روح و اختصاص دیه کامله به بعد از ولوج روح می آورد.

در مقابل این چهار روایت، تعدادی روایات داریم که دلالت می کنند: جنین دیه کامل دارد، چه قبل از ولوج روح و چه بعد از ولوج روح؛ و این روایات صحیح السند هستند، مانند:

۱. صحیح محمد بن مسلم: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ الرَّجُلِ يَضْرِبُ الْمَرْأَةَ فَتَطْرَحُ النُّطْفَةَ فَقَالَ عَلَيْهِ عَشْرُونَ دِينَاراً فَقُلْتُ فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْعَلَقَةَ قَالَ أَرْبَعُونَ دِينَاراً قُلْتُ فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْمُضْغَةَ قَالَ عَلَيْهِ سِتُونَ دِينَاراً قُلْتُ فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُهَا وَ قَدْ صَارَ لَهُ عَظْمٌ فَقَالَ عَلَيْهِ الدِّيَةُ كَامِلَةٌ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۸۳)

این روایت می فرماید: جنین، دارای استخوان که شد؛ وگو قبل از ولوج روح دیه کامل برای او در نظر می گیریم.

۲. صحیح ابی عبیده: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ لَتَطْرَحَ وَلَدَهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا فَقَالَ إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَّتَهُ تَسَلَّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالَ وَ إِنْ كَانَ جَنِينًا عَلَقَةً أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَاراً أَوْ عُرَّةً تَسَلَّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ كَأَثَرٍ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيَّتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلْتَهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۴)

حال تعارضات میان دو دسته روایات را چگونه رفع کنیم؟ و این در حالی است که هر دو دسته روایات از لحاظ سندی مورد اعتماد هستند.

برای رفع این تعارض، می توان به این نکته توجه نمود که: معتبره ظریف نص در این بود که جنین تام الخلقه قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح، احکامشان متفاوت است. قبل از ولوج روح ۱۰۰ دینار و بعد از ولوج روح اگر پسر باشد هزار دینار و اگر دختر باشد ۵۰۰ دینار؛ اما این دو صحیحه اخیر، هر دو اطلاق دارند و می گویند جنین تام الخلقه مطلقاً دیه کامل (۱۰۰۰ دینار و ۵۰۰ دینار) دارد. ما این اطلاقات را با معتبره ظریف قید می زنیم و مقید می کنیم.

آیه الله خوئی می فرماید: «هاتان الصحیحتان ظاهران فی أَنَّ فیهِ الدِّيَةَ كَامِلَةً بِالْإِطْلَاقِ فَنُفَعُ الْبَيْدَ عَنْهُ بِنَصِّ الْمَعْتَبِرَةِ وَ نَقِيْدَهُ بِمَا إِذَا وَ لَجَتْهُ الرُّوحُ.» (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۹۲) ما با کمک نص معتبره ظریف، از این اطلاقات رفع ید کرده و آن را به جایی که بعد از ولوج روح باشد مقید می کنیم. بنابراین اصل ثبوت دیه برای سقط جنین عامدانه و یا خطایی و مقدار آن به وسیله این روایات اثبات شد.

۲-۱- پرداخت غره به عنوان دیه جنین سقط شده

مرحوم خوئی (رحمه الله علیه) معتقد است یکسری روایاتی داریم که دیه سقط جنین «غره» (عبد یا کنیز) عنوان شده و این روایات ۳ طائفه هستند:

۲-۱-۱- طایفه اول روایات می گوید دادن غره واجب تعیینی است و عدل ندارد.

الف) صحیحه داوود بن فرقد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: جَاءَتِ امْرَأَةٌ فَاسْتَعَدَّتْ عَلَيَّ أُعْرَابِيٌّ قَدْ أَفْرَعَهَا فَأَلَقْتُ جَنِينًا فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ لَمْ يُهَلَّ وَ لَمْ يَصِحَّ وَ مِثْلُهُ يُطَلُّ - فَقَالَ النَّبِيُّ (صل الله و علیه و آله و سلم) اسْكُتْ سَجَاعَةٌ عَلَيْكَ غُرَّةٌ وَ صَيْفٌ عَبْدٌ أَوْ أُمَةٌ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۳)

ب) معتبره سکونی: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (صل الله و علیه و آله و سلم) فِي جَنِينِ الْهَلَالِيَّةِ حَيْثُ رُمِيَ بِالْحَجَرِ فَأَلَقَتْ مَا فِي بَطْنِهَا مَيْتًا فَإِنْ عَلَيْهِ غُرَّةٌ عَبْدًا أَوْ أُمَةً.» (همان، ج ۷: ۳۴۴)

ج) صحیحه سلیمان بن خالد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ (صل الله و علیه و آله و سلم) وَ قَدْ ضَرَبَ امْرَأَةً حُبْلَى فَاسْتَقَطَتْ سِقْطًا مَيْتًا فَأَتَى زَوْجُ الْمَرْأَةِ إِلَى النَّبِيِّ (صل الله و علیه و آله و سلم) فَاسْتَعَدَى عَلَيْهِ فَقَالَ الضَّارِبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَكَلْتُ وَ لَا شَرِبْتُ وَ لَا اسْتَهَلْتُ وَ لَا صَاحَ وَ لَا اسْتَبَشَّ فَقَالَ النَّبِيُّ (صل الله و علیه و آله و سلم) إِنَّكَ رَجُلٌ سَجَاعَةٌ فَقَضَى فِيهِ رَقَبَةً.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۸۶)

این طائفه اول روایات، با معتبره ظریف تعارض دارند و یکی از مرجحات در باب تعارض روایات، مخالفت با عامه (اهل سنت) است. فتاوی اهل سنت براساس همین روایات غره می باشد، پس ما به این روایات طایفه اول عنایتی نمی کنیم و روایت معتبره ظریف را به علت مخالفت با اهل سنت عمل می کنیم. (تبریزی، ۱۴۲۸: ۳۱۱)

شیخ طوسی (رحمه الله علیه) راهکار دیگری ارائه می دهد و می گوید: واژه جنین در روایات «قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله و علیه و آله و سلم) فِي جَنِينِ الْهَلَالِيَّةِ»، به قرینه گیری از «صحیحه ابی عبیده» استنباط می کند که: مراد از جنین صرفاً علقه و مضغه است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۸۷، ذیل حدیث ۱۴) به دیگر سخن، این روایات در مقام بیان این نکته اند که: جنین زمانی که علقه و مضغه باشد کفاره سقط عمدی آن، غره است.

د) صحیحہ ابو عبیدہ: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ لِتَطْرَحَ وَلَدَهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا فَقَالَ إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دَيْتَهُ تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالَ وَ إِنْ كَانَ جَنِينًا عَلَقَهُ أَوْ مُضَعَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دَيْتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۴) ولیکن آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) به این ادعای شیخ طوسی (رحمه الله علیه) ایراد وارد می کند و می فرماید: اولاً: واژه جنین ظهور عرفی در جنین تام الخلقه دارد و به جنینی که در مرحله علقه و مضغه باشد، جنین اطلاق نمی گردد.

ثانیاً: حتی اگر با شما موافق باشیم، در این روایات، به اعتبار وجود واژه «میتا»، در روایات طائفه اول، مراد از کلمه جنین، علقه و مضغه نمی باشد؛ چرا که واژه میتا دلالت بر جنین ذی الروح دارد. علاوه بر این دو اشکال آیه الله خوئی (رحمه الله علیه)، صدر و ذیل خود صحیحہ نیز مشکل دارد و به هیچ کدام از صدر و ذیل نمی توان استناد کرد که بعداً توضیح آن می آید.

۲-۱-۲- طایفه دوم روایات، دادن غره را به نحو تخیری در مورد سقط جنین علقه و مضغه مطرح می کنند.

الف) صحیحہ ابو عبیدہ: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ لِتَطْرَحَ وَلَدَهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا فَقَالَ إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دَيْتَهُ تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالَ وَ إِنْ كَانَ جَنِينًا عَلَقَهُ أَوْ مُضَعَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دَيْتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ.» (همان).

به اعتقاد مرحوم خوئی (رحمه الله علیه) و آقای تبریزی، این روایت از جمله روایاتی است که باید علمش را به اهل بیت (علیه السلام) واگذار کنیم و برای ما قابل فهم نیست. (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۹۵؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۳۱۲)

در ادامه مرحوم خوئی (رحمه الله علیه) معتقد است: صدر و ذیل این روایت قابل استناد نیست؛ چرا که صدر روایت می گوید: «إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دَيْتَهُ تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ» قبل ولوج روح، دیه کامله باید پرداخت شود در حالی که معتبره ظریف می گوید: (بعد از تکامل خلقت) و قبل ولوج روح، باید ۱۰۰ دینار دیه پرداخت شود و احدی از

علمای شیعه و سنی (بجز عمانی) بر طبق صدر این صحیحه ابو عبیده، فتوا نداده‌اند. ذیل روایت هم می‌گوید: «إِنْ كَانَ جَنِينًا عُلِقَهُ أَوْ مُضَعَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا» اگر علقه یا مضغه بود باید ۴۰ دینار و یا یک غره پرداخت شود و این در حالی است که هیچ یک از علماء بر طبق آن فتوا نداده‌اند؛ چرا که دیه علقه ۴۰ و دیه مضغه ۶۰ دینار است. (خوئی، همان، ج ۲: ۴۹۴)

اشکال آقای تبریزی:

آقای تبریزی اشکالی وارد می‌کنند و معتقدند این روایت با صحیحه دیگری از ابی عبیده و حلبی معارض است؛ «عَنِ الْحَلْبِيِّ وَ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ امْرَأَةً خَطَأً وَ هِيَ عَلَى رَأْسِ الْوَلَدِ تَمَخُّضٌ قَالَ عَلَيْهِ الدِّيَةُ خَمْسَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ عَلَيْهِ لِلذَّيِّ فِي بَطْنِهَا غُرَّةٌ وَصِيفٌ أَوْ وَصِيفَةٌ أَوْ أَرْبَعُونَ دِينَارًا.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۹۹) بابت مادری که کشته شد ۵۰۰۰ درهم و بابت بچه سقط شده، غره یا ۴۰ دینار باید پرداخت شود؛ در اینجا به قرینه (علی راس ولدها تمخض) کلام در مورد جنین کامل ذی‌الروح است. (تبریزی، همان: ۳۱۲)

۱-۳- طایفه سوم روایات اگر جنینی که در شرف تولد جنایتی بر او وارد شد تخمیر بین پرداخت غره یا ۴۰ دینار می‌باشد.

صحیحه حلبی و ابی عبیده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ امْرَأَةً خَطَأً وَ هِيَ عَلَى رَأْسِ الْوَلَدِ تَمَخُّضٌ قَالَ عَلَيْهِ الدِّيَةُ خَمْسَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ عَلَيْهِ لِلذَّيِّ فِي بَطْنِهَا غُرَّةٌ وَصِيفٌ أَوْ وَصِيفَةٌ أَوْ أَرْبَعُونَ دِينَارًا.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۹۹) آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) معتقد است: این روایت معرض عنه اصحاب است. (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۹۵)

طبق معتبره ظریف حیات جنین در رحم به دو مرحله قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح تقسیم می‌شود و در مرحله قبل از ولوج روح میان مذکر و مونث بودن جنین تفاوتی قائل نیستیم. ولیکن بعد از ولوج روح دیه متفاوت می‌شود.

محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) در اینجا کلامی دارد و در فتوای خودشان، در مرحله قبل از ولوج روح، میان مذکر و مونث بودن جنین تفاوت قائل‌اند و می‌گویند: اگر مذکر بود ۱۰۰ دینار و اگر مونث بود ۵۰ دینار دیه دارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۳۲۴-۳۲۷)

محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) نیز برای مخالفت با اصحاب چندین دلیل و وجه معرفی می‌کند:

دلیل اول:

الف) مسلم است بین ذکر و اثتی در دیه تفاوت وجود دارد: دیه مذکر ۱۰۰۰ دینار و دیه مونث ۵۰۰ دینار است.

ب) اگر جنین در مرحله ای باشد که گوشت روئیده (لحم) باشد (قبل از ولوج روح)، دیه اش ۱۰۰ دینار است. نسبت میان دیه نفس کامل و لحم، نصفِ خمسِ دیه کامل است. یعنی $\frac{۱}{۱۱}$ ؛ وقتی دیه دختر نصف دیه پسر بود و از این طرف نسبت میان این دو را می‌سنجیم. خمس دیه کامل یک زن ۱۰۰ دینار است و نصفِ خمسِ دیه جنین دختر نیز ۵۰ دینار می‌شود، پس در مرحله قبل از ولوج روح اگر جنین عمداً سقط شود دیه جنین سقط شده اگر پسر باشد ۱۰۰ دینار و اگر دختر باشد ۵۰ دینار است.

دلیل دوم:

در روایت معتبره ظریف آمده است: «وَقَضَىٰ فِي دِيَةِ جِرَاحِ الْجَنِينِ مِنْ حِسَابِ الْمَائَةِ عَلَىٰ مَا يَكُونُ مِنْ جِرَاحِ الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةَ كَامِلَةً وَجَعَلَ لَهُ فِي قِصَاصِ جِرَاحَتِهِ وَمَعْقَلَتِهِ عَلَىٰ قَدْرِ دِيَّتِهِ وَهِيَ مِائَةٌ دِينَارٍ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۳) حضرت در این روایت یک معیار و ملاک تعیین می‌کند و می‌فرماید: جراحت بر جنین، بر پایه ۱۰۰ دینار حساب می‌شود. (اگر بر یک دست جنین جراحت وارد شود، نصف ۱۰۰ دینار حساب می‌شود.) از همین جا کشف می‌شود که این نسبت‌گیری باید انجام شود. آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) بر ادعای محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) دلایلی اقامه می‌کنند که به شرح ذیل است:

الف) به همان معتبره ظریف استناد می‌کنیم. حضرت مراحل قبل از ولوج روح را به نطفه، علقه، مضغه و... تقسیم می‌کند ولی بین مذکر و مونث تفاوتی قائل نیست. در عین حال در مرحله بعد از ولوج روح، میان دختر و پسر تفاوت قائل می‌شود. این روایت نص در این است که تفصیل قبل از ولوج روح، معنا ندارد.

ب) از تمسک کردن محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) به معتبره ظریف و ملاک و معیار گیری ایشان، به عنوان مؤیدی برای دفع ادعای خود محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) استفاده می‌کند و می‌گوید:

همان جایی که حضرت در مقام بیان دیه جراحات وارد شده بر جنین بودند، آنجا نیز حضرت میان مذکر و مونث تفصیل قائل نشدند و مطلق عنوان کردند.

ج) خود آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) ابتدائاً روایتی را به نفع محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) می آورد: «... إِنْ قُتِلَتْ امْرَأَةٌ وَ هِيَ حُبْلَى فَتَمَّ فَلَمْ يَسْقُطْ وَلَدُهَا وَ لَمْ يُعْلَمْ أَوْ ذَكَرَ هُوَ أَمْ أَنْثَى وَ لَمْ يُعْلَمْ أَوْ بَعْدَهَا مَاتَ أَوْ قَبْلَهَا فَدِيَّتُهُ نِصْفَانِ نِصْفٌ دِيَّةِ الذَّكَرِ وَ نِصْفٌ دِيَّةِ الْأُنْثَى وَ دِيَّةُ الْمَرْأَةِ كَامِلَةٌ بَعْدَ ذَلِكَ...» (همان)؛ (دیه این جنین در مجموع ۷۵۰ دینار است با این وجه که دیه دختر و پسر را نصف نصف حساب کنیم)؛ (و بر طبق این محاسبه دیه دختر و پسر با هم تفاوت دارند) و سپس در رد ادعای محقق اردبیلی (رحمه الله علیه) می فرماید: به عبارت «موتاً» در روایت می توان استناد کرد و گفت: موت به معنای "ازهاق روح" است؛ پس این جنین ابتدائاً ذی الروح بوده و بعداً صفت موت بر او اطلاق شده است؛ بنابراین این روایت ناظر به بعد از ولوج روح است و دلیل اینکه دیه ها نصف نصف حساب شده به این خاطر است که مشخص نیست جنین مذکر است یا مونث؛ نه اینکه بخواهد دیه ها را نصف حساب کند؛ براین اساس که دیه زن نصف دیه مرد است.

۲-۲- دیه سقط جنین ولد الزنا

آیا دیه جنین متکون از زنا نیز به اندازه جنین مشروع است؟ آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) می فرماید: «در مورد سقط جنینی که از زنا تکون یافته است، اگر خلقتش کامل باشد و قبل از ولوج روح باشد $\frac{1}{10}$ دیه ولد الزنا، دیه دارد و دیه این جنین در مراحل و مراتب قبلی، نسبت بندی می شود؛ و در مورد بعد از ولوج روح، اگر پسر باشد دیه او ۸۰۰ درهم است و اگر دختر باشد ۴۰۰ درهم می باشد.» (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۲، ۵۰۹، مساله ۳۸۹)

این سخن آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) متشکل از ۳ بخش است:

الف) اگر خلقتش کامل باشد و قبل از ولوج روح باشد $\frac{1}{10}$ دیه ولد الزنا، دیه دارد.

ب) دیه این جنین در مراحل و مراتب قبلی، دون مرتبه فعلی، نسبت بندی می شود.

ج) بعد از ولوج روح، اگر پسر باشد دیه او ۸۰۰ درهم است و اگر دختر باشد ۴۰۰ درهم می باشد.

به اعتقاد مرحوم خوئی (رحمه الله علیه) دیه جنین از زنا، با دیه جنین مشروع متفاوت است. ایشان معتقد است: دیه کامل جنین از زنا، اگر پسر باشد ۸۰۰ درهم و اگر دختر باشد ۴۰۰ درهم؛ در حالی که دیه کامل جنین مشروع، اگر پسر باشد ۱۰۰۰ دینار است و اگر دختر باشد ۵۰۰ دینار است. دلیل این ادعای آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) همان معتبره ظریف است: «فَإِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ كَانَتْ لَهُ مِائَةٌ دِينَارٍ كَامِلَةً»

الف) اگر خلقتش کامل باشد و قبل از ولوج روح باشد $\frac{1}{10}$ دیه ولد الزنا، دیه دارد. توضیحات آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) بدین شرح است:

«۱۰۰ دینار به ملاحظه $\frac{1}{10}$ دیه است. اگر جنین مسلمان و آزاد باشد و متکون از زنا نیز نباشد، دیه اش $\frac{1}{10}$ دیه کامل یعنی ۱۰۰ دینار می شود. ولی اگر متکون از زنا باشد، دیه اش $\frac{1}{10}$ دیه متکون از زنا است یعنی ۸۰ درهم». معتبره ظریف در مورد غیر ولد الزنا بود. در مرحله لحم، دیه ۱۰۰ دینار است. اگر میان دیه کامله و دیه مرحله لحم نسبت سنجی کنیم، نسبت دیه لحم به دیه کامله، عُشر است ($\frac{1}{10}$).

معتبره ظریف در مقام بیان یک قانون کلی است: جنین بعد از اتمام خلقت قبل از ولوج روح، باید یک دهم دیه کامله اش را بگیرد و فرقی بین ولد الزنا و غیر ولد الزنا نیست. پس رابطه بین دیه لحم و دیه کامله، یک دهم $\frac{1}{10}$ است. در این مساله هم دیه کامله ولد الزنا ۸۰۰ درهم است پس دیه مرحله لحم آن ۸۰ درهم می شود.

ب) دیه این جنین در مراحل و مراتب قبلی، دون مرتبه فعلی، نسبت بندی می شود.

در معتبره ظریف آمده: «وجعل منی الرجل إلى أن یكون جنیناً خمسة أجزاء إلى قوله: «ثم یکسی لحمًا فحیثئذ تم جنیناً فکملت لخمسة أجزاء مائة دینار و المائة دینار خمسة أجزاء، فجعل للنطفة خمس المائة عشرين دیناراً، و للعلة خمسة المائة أربعین دیناراً و للمضغة ثلاثة أخماس المائة ستین دیناراً و للعظم أربعة أخماس المائة ثمانین دیناراً»

این تناسبات در مورد غیر ولد الزناست. دیه جنین مشروع تام الخلقه قبل از ولوج روح، ۱۰۰ دینار است. دیه نطفه، $\frac{1}{10}$ دیه تام الخلقه است (۲۰ دینار)؛ دیه علقه $\frac{2}{10}$ دیه تام الخلقه است (۴۰ دینار)؛ دیه مضغه $\frac{3}{10}$ دیه تام الخلقه است (۶۰ دینار) و حال همین نسبت را در مورد جنین متشکل از زنا نیز،

رعایت می‌کنیم. دیه جنین، تام الخلقه قبل از ولوج روح ۸۰ درهم است. پس دیه نطفه، $\frac{1}{6}$ دیه تام الخلقه است (۱۶ درهم)؛ دیه علقه $\frac{2}{6}$ دیه تام الخلقه است (۳۲ درهم)؛ دیه مضغه $\frac{3}{6}$ دیه تام الخلقه است. (۴۸ درهم)

ج) بعد از ولوج روح، اگر پسر باشد دیه او ۸۰۰ درهم است و اگر دختر باشد ۴۰۰ درهم می‌باشد. باز هم از معتبره ظریف استفاده می‌کنیم. در روایت معتبره آمده: «فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرَ وَهُوَ الرُّوحُ فَهُوَ حِينَئِذٍ نَفْسٌ فِيهِ أَلْفٌ دِينَارٍ دِيَّةٌ كَامِلَةٌ إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَإِنْ كَانَ أُنْثَىٰ فَخَمْسُمِائَةٍ دِينَارًا». این روایت در مورد جنین مشروع است که بعد از ولوج روح، ۱۰۰۰ دینار اگر مذکر و ۵۰۰ دینار اگر مونث است. حال در مورد جنین متکون از زنا نیز از همان نسبت و سنجش استفاده می‌کنیم، پس دیه جنین متکون از زنا بعد از ولوج روح، اگر پسر باشد ۸۰۰ درهم و اگر دختر باشد ۴۰۰ درهم است.

دو بحث «تحدید مابین مراتب تکامل جنین» و «دیه بین المراتب» نیز محل بحث است که بدلیل جلوگیری از طولانی شدن کلام در مقاله‌ای جداگانه به آن پرداخته خواهد شد.

۳- کفاره سقط جنین

در مباحث قتل نفس، آمده است اگر قتل نفس، عمدی باشد: قصاص + کفاره جمع (اطعام ۶۰ فقیر و ۶۰ روزه و آزاد کردن ۶۰ عبد)

اگر قتل خطایی و یا شبه عمد باشد: دیه + کفاره (مخیر است بین ۶۰ روزه یا اطعام ۶۰ فقیر یا آزاد کردن ۶۰ عبد).

اگر کسی عامدانه دست به سقط جنین بزند آیا کفاره دارد؟

در روایات ما، کفاره روی عنوان «قتل نفس» رفته است. پس سقط جنین عامدانه قبل از ولوج روح، کفاره ندارد چون بر آن قتل نفس صدق نمی‌کند؛ قتل یعنی ازهاق روح و جنین قبل از ولوج روح، روحی ندارد که از او گرفته شود. اما در سقط جنین عامدانه بعد از ولوج روح اختلاف می‌باشد. مشهور معتقد به ثبوت کفاره هستند و می‌فرمایند: عنوان «قتل» بر آن بار است چرا که ولوج روح صورت گرفته و ازهاق آن کفاره دارد. آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) نظر خود را اینگونه ابراز داشته است: «اگر جنین قبل از ولوج روح ساقط شود کفاره‌ای بر گردن جانی نیست، اما اگر بعد از

ولوح روح سقط شود بنا بر نظر مشهور بر گردن جانی کفارۀ ثابت می شود و لیکن در این نظر مشهور اشکال وجود دارد و بعید نیست که به عدم

و جوب کفارۀ (حتی) بعد از ولوح روح فتوا بدهیم.» (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۵۰۳)

مرحوم نجفی (رحمه الله علیه) معتقد است: «بلا خلاف أجده». (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۴۳: ۲۵)؛ (یعنی ثبوت کفارۀ اجماعی است). آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) این ادعای مرحوم نجفی (رحمه الله علیه) را نمی پذیرد و معتقد است: آیات و روایاتی که حاوی موضوع و جوب کفارۀ قتل هستند، قتل تنها را شامل نمی شوند، بلکه آیات و روایات می گویند: «قتل رجلاً»؛ «قتل مؤمناً». متن آیات یا روایات به این شکل است: «مَن قَتَلَ مُؤْمِنًا...»؛ «مَن قَتَلَ رَجُلًا...»؛ یعنی ثبوت کفارۀ بر روی قتل تنها نرفته است، بلکه بر روی عنوان قتل مؤمن، قتل رجل رفته است و معلوم است که به این جنین سقط شده «مؤمن» و «رجل» صدق نمی کند تا وجوب کفارۀ ثابت باشد. بیان آیه و روایاتی که مدنظر آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) است:

الف) «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...»؛ هیچ فرد با ایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند (و در عین حال)، کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خون بهایی به کسان او بپردازد، مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند.» (نساء: ۹۲)

ب) روایت ابن سنان: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ قَتَلَ مُؤْمِنًا وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ غَيْرَ أَنَّهُ حَمَلَهُ الْغَضَبُ عَلَى أَنَّهُ قَتَلَهُ هَلْ لَهُ مِنْ تَوْبَةٍ إِنْ أَرَادَ ذَلِكَ أَوْ لَا تَوْبَةَ لَهُ قَالَ يَقْرَأُ بِهِ إِنْ لَمْ يَعْلَمْ أَنْطَلِقَ إِلَى أَوْلِيَائِهِ فَأَعْلَمَهُمْ أَنَّهُ قَتَلَهُ فَإِنْ غَفِيَ عَنْهُ أُعْطَاهُمُ الدِّيَةَ وَاعْتَقَ رَقَبَةً وَصَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَتَصَدَّقَ عَلَى سِتِّينَ مَسْكِينًا.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۳۲۳)

ج) «قیل لأبي عبد الله (عليه السلام) رجل قتل رجلاً متعمداً، فقال: جزاؤه جهنم، فقیل: هل له توبة؟ قال: نعم، يصوم شهرين متتابعين، و يطعم ستين مسكينا، و يعتق رقبة، و يؤدي دية...» (ابن بابويه،

بنابراین آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) برای سقط عامدانه جنین حتی بعد از ولوج روح نیز کفاره ای قائل نیست. آقای میرزا جواد تبریزی معتقدند: نعم؛ مگر کسی بگوید واژه مؤمن، «مؤمن حکمی» را هم شامل می شود و همان طور که جنین مسلمان در حکم مسلمان است، جنین مؤمن هم در حکم مؤمن است، پس می توان فتوا داد بعد از ولوج روح سقط عامدانه جنین، کفاره دارد. (تبریزی، همان: ۳۳۱)

این دیدگاه، نظر امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز می باشد. (خمینی، بی تا، ج ۲: ۵۹۸) علاوه بر آن، آیه الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) نیز همین نظر را دارند که بعد از ولوج روح، سقط جنین کفاره دارد. (محمد فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۲۸۰) آقای تبریزی قبل از آوردن: «نعم استدراکیه»، عقیده اش بر این است که سقط جنین بعد از ولوج روح، کفاره ندارد. ایشان به یک روایتی اشاره می کنند که شیخ صدوق در من لایحضر آورده است: «طَلَحَهُ بِنُ زَيْدٍ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ (علیه السلام) فِي امْرَأَةٍ حُبْلَى شَرِبَتْ دَوَاءً فَأَسْقَطَتْ قَالَ تَكْفُرُ عَنْهُ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۷۳)

برخورد با این روایت چگونه باید باشد؟ آقای تبریزی معتقد است: در برخورد با این روایت دو راهکار وجود دارد:

۱) یا باید اطلاق این روایت را تقیید بنیم. بدین معنا که این روایت می گوید: سقط جنین علی الاطلاق کفاره دارد، حتی قبل از ولوج روح؛ و بگوییم منظور از: «امْرَأَةٍ حُبْلَى» جنین بعد از ولوج روح است.

۲) یا باید روایت را حمل بر استحباب کنیم. آقای تبریزی از میان دو راهکار موجود، حالت دوم را برمی گزیند، چون معتقد است: رفع ید کردن از اطلاق این روایت، مشکل است چرا که بایستی مقیدی داشته باشیم و حال اینکه چنین مقیدی نداریم. پس این روایت را حمل بر استحباب می کنیم. (تبریزی، همان: ۳۱۶)

نتیجه گیری

بر طبق آنچه بیان شد، در مورد قصاص جانی در سقط جنین ذی الروح، مشهور فقها با تمسک به «عمومات ادله قصاص» و «روایت ابن فضال» معتقدند که: اگر بالغی صبی را بکشد، باید قصاص

شود؛ ولیکن آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) عمومات ادله را با «روایت ابی بصیر» قید زد و «روایت ابن فضال» را نیز بدلیل مرسله بودن و داشتن اشکال سندی رد نمود. حتی اجماع موجود در این مسئله را به دلیل تام بودن نسبت به صبی و نبودن دلیل به جهت تسری دادن حکم به جنین، قبول نکردند و معتقدند: سقط عامدانه جنین ذی الروح قصاص ندارد. آیه الله تبریزی نیز با ایشان هم عقیده می باشد.

در مورد دیه جنین سقط شده با استناد به روایات نظیر «معتبره ظریف» و تقسیم آن به قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح، برای قبل از ولوج روح، ادوار پنجگانه نطفه، علقه، مضغه، روئیدن استخوان و پوشیده شدن گوشت روی استخوان را ترسیم می کند و مقادیر دیه ۶۰، ۴۰، ۲۰، ۸۰ و ۱۰۰ دینار را در نظر می گیرد و برای بعد از ولوج روح نیز در فرض پسر بودن ۱۰۰۰ و دختر بودن ۵۰۰ دینار مقرر می دارد.

در مورد طائفه روایاتی که در آن پرداخت غره به عنوان دیه جنین سقط شده تعیین شده، به دلیل «مخالفت با عامه» و «اعراض اصحاب از این روایات» و «تعارض با نص معتبره ظریف» از این طائفه روایات روی گران می شوند.

به اعتقاد آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) دیه جنین از زنا، با دیه جنین مشروع متفاوت است. ایشان معتقد است: دیه کامل جنین از زنا، اگر پسر باشد ۸۰۰ درهم و اگر دختر باشد ۴۰۰ درهم؛ در حالی که دیه کامل جنین مشروع، اگر پسر باشد ۱۰۰۰ دینار است و اگر دختر باشد ۵۰۰ دینار است. دلیل این ادعای آیه الله خوئی (رحمه الله علیه) همان «معتبره ظریف» است.

در مورد وجوب كفاره سقط معتقدند: اگر جنین قبل از ولوج روح ساقط شود، كفاره ای بر گردن جانی نیست؛ اما اگر بعد از ولوج روح سقط شود، بعید نیست که به عدم وجوب كفاره (حتی) بعد از ولوج روح فتوا بدهیم. (به نظر مشهور مبنی بر ثبوت كفاره بر گردن جانی اشکال وارد می کنند).

فهرست منابع

* قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۵)، **المقنع**، قم: مؤسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ اول.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ اول.
۳. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، (۱۴۰۸)، **النوادر**، محقق/مصحح: مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، قم: مدرسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ اول.
۴. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۸)، **تنقیح مبانی الاحکام بحث دیات**، قم: الدار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها)، چاپ اول.
۵. حلی، ابن ادریس، (۱۴۱۰)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم.
۶. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۹)، **نهایه الإحکام فی معرفه الأحکام**، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
۷. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، **تهذیب الأحکام**، محقق/مصحح: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، چاپ اول.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، **تفسیر قمی**، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، (۱۴۰۷)، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، **بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، محقق/مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۱۳. موسوی خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، **مبانی تکمه المنهاج**، قم: مؤسسه احیاء اثار الامام خوئی (رحمه الله علیه)، چاپ اول.
۱۴. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۴۱۸)، **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة-الدييات**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(علیهم السلام)، چاپ اول.
۱۵. موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، **تحریر الوسيلة**، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.